

مکانیسم ماشه، ماکیاو لیسم مدرن امروز

ماکیاولیسم رمی توان یک خصلت هویتی برای غالب دولتمردان غربی دانست که در نزد برخی از آنان نه تنها در طول زمان تقویت و غنی سازی شده است، بلکه با جهش‌های چندباره، سوبه‌هایی بسیار جدید و پیشرفته پیدا کرده که اگر ماکیاولی سر از قبر بر آورد،از این همه پیشرفت مکتب فریب و دغل خویش به شگفتی افتاده و در خواست شاگردی نزد ماکیاولیست‌های جدید غربی خواهد کرد. مکانیسم ماشه را می توان کار بست ماهرانه ماکیاولیسم مدرن غربی در بر جام دانست که ظاهرا در یک ماه گذشته، سران فرانسه، آلمان و انگلیس برای فعال سازی آن اقدام کرده‌اند،اما این سوءاستفاده ماهرانه،از همان ابتدای طرح کنجاندن آن در آن سند در دستور کار آنان بوده و تمام پندهای بر جام در واقع در پیوند با این شگرد مکارانه تنظیم شده است. کما اینکه بر اساس گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌های جمهوری اسلامی به تمام تعهدات خود عمل کرده ولی اینک طرف اروپایی که نه به تعهداتش عمل کرده و نه مانع امریکا برای خروج از بر جام شده و با حمله رژیم صهیونیستی و امریکای جنایتکار به مراکز هسته‌های همراهی داشته،به بهانه عدم همکاری جمهوری اسلامی ایران با آژانس اقدام به فعال سازی مکانیسم ماشه کرده‌است.

جالب‌تر اینکه این اقدام با وجود اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای همکاری و اقدام برای رفع هر گونه نگرانی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای خود،انجام شد و علاوه بر این مذاکرات و توافقاتی هم با آژانس صورت گرفته بود و ادامه مذاکرات با اتحادیه اروپا هم در دستور کار بود.

اما واقعیت این است که نه تنها ترویتیکای اروپا از همان زمان ارجاع موضوع به شورای امنیت، تصمیم خود را برای باز گشت به قبل از بر جام و تحمیل فشار و تحریم بر ایران گرفته بود،بلکه با تصور بهره‌گیری از این موقعیت برای همراه‌سازی امریکا با کشورهای اروپایی در جنگ و کران‌بین و همچنین حمایت عملی از رژیم صهیونیستی، با عبور از تمامی موازین حقوقی، اخلاقی و انسانی، ماکیاولیسم مدرن غربی را به نمایش گذاشته و وابستگی و دنباله‌روی خود از امریکا را نیز به اثبات رساند. با وجود این، علاوه بر اینکه به دلیل سابقه بدعهدی و عدم پابندنی به تعهدات درج‌لی، ترویتیکای اروپایی از صلاحیت حقوقی برای فعال سازی مکانیسم ماشه بر خوردار نبوده و هر گونه تصمیم منکی به این اقدام، فاقد مشروعیت و وجهت حقوقی خواهد بود، در شرایط فعلی زمینه اجرای تحریم‌های مرتب بر آن نیز وجود نداشته و صرفا موجب چالش برای اعتبار شورای امنیت در افکار عمومی و تاریخ و سابقه سازمان ملل خواهد شد.

مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های این چالش اعتبار سوز عبارت‌اند از: ۱.بی اعتبار بودن این تصمیم شورای امنیت در بین کشورهای عضو آن شور و اعلام رسمی و علنی عدم پابندنی به آن از سوی این کشورها. ۲.همسویی آشکار این اقدام با گرایش جنگ‌طلبانه و مغایر صلح و امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی رژیم صهیونیستی و امریکای جنایتکار و تصویر برساخته از سوء استفاده از ترویتیکای اروپایی از شورای امنیت در افکار جهانی و تنازل جایگاه این کشورا به عنوان ابزاری برای اهداف مغرضانه قدرت‌تاری غربی. ۳.انطباق کامل این تصمیم‌گیری از خواسته‌های امریکا و به خطر افتادن نظام تصمیم‌گیری شورای امنیت از چندجانبه گرایی به یکجانبه‌گرایی امریکایی.

از این رو، شاید فعال سازی مکانیسم ماشه بر پایه سیاست فریبکاری دولت‌های غربی در هر حله اولیه نوعی شوک تولید کرده و آثار روانی همسو با اهداف طراحان آن داشته باشد،اما با گذار از این مرحله و بر خورد آن با واقعیت‌های جهان چندقطبی و مخالف یکجانبه‌گرایی امریکا و متحدان غربی آن، تأثیر آن به شدت افول کرده و خنثی خواهد شد. از مهم‌ترین پیامدهای به کار گیری این شیوه و سیاست کثیف و اعتمادسوز توسط دولتمردان غربی و ظلمکاری و یقچانه به جای جبران خطاها و جفاهای مستمرانه، آشکار سازی ماکیاولیسم مدرن حاکم بر آنان و البته هوشیاری و بیداری دولت‌ها و ملت‌هایی است که تا پیش از این تصور می کردند ماکیاولیسم ابدۀ تاریخی و متعلق به گذشته غرب وحشی است و رشد عقلانیت ابزاری در غرب، آن را به حاشیه برده و کمرنگ کرده باشد.

روایت قوت ضامن پیشرفت ایران

بیانات اخیر رهبر معظم انقلاباسلامی به مناسبت هفته دفاع مقدس را باید در چارچوب کلان‌تری با عنوان «روایت‌گری با قدرت» تحلیل کرد. ایشان باشرعردن دستاوردهای علمی نخبگان، موفقیت‌های ورزشی و نیز برجسته‌سازی اتحاد ملی و قدرت‌بازدارندگی مقاومت،در پی ترسیم تصویری دقیق و مبتنی بر واقعیت از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران هستند. این روایت،درای نوبعد داخلی کلاما پیوسته است:تقویت روحیه خودباوری و پیشرفت درونی،وارسال پیام‌بازدارندگی به دشمنان خارجی.

هوشمندانه‌ای است که هم بر روان‌شناسی جمعی ملت و هم بر معادلات ژئوپلیتیک منطقه تأستقیم دارد.روایت‌گری از توانمندی‌ها،موتور محرک پیشرفت است.ملتی که به توانایی‌های خودباور داشته باشد،برای جهش‌های بزرگ‌تر انگیزه و حسارت پیدای کند.برعکس،تمرکز بر نقاط ضعف،جامعه را به رکود و انفعال می کشاند.از سوی دیگر، دشمن در ماه‌های منتهی به جنگ ۱۲ روزه،تصویری تحریف‌شده از ایران را تبلیغ می کرد:کشوری منزوی،درگیر مشکلات داخلی و فاقد متحدان قوی.برجسته‌سازی واقعی عوامل قدرت -از جمله قدرت انسانی، علمی،ورزشی و عمق استراتژیک منطقه‌ای -این محاسبات دشمن را با اختلال مواجه کرده و مانع از طومرعی او می شد.تأکید مجدد بر غنی‌سازی به عنوان یک خط قرمز،چند دلالت مهم دارد.این دانش،نماد استقلال و توانمندی علمی جوانان ایران است و عقب‌نشینی در آن به معنای نادیده گرفتن این سرمایه عظیم ملی خواهد بود.هوشمندی حفظ توان غنی‌سازی،مهم‌ترین برگ برنده دیپلماتیک ایران در دوره گذشته است.جمهوری اسلامی به‌درستی مسیر «توانمندسازی» را از «سلاح‌مدنی» جدای می کند.از سویی طرح برخی دیدگاه‌های حاشیه‌ای درباره ضرورت دستیابی به سلاح هسته‌ای،از چند منظر قابل نقد است. این نگاه مستقیماً بافتوا و موضع ثابت نظام مبنی بر حرمت سلاح‌های کشتار جمعی در تضاد است و ادعاهای سالیان دشمن را تأیید می کند.بخش عمده‌ای از نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی ایران،ناشی از قدرت نرم و گفتمان مقاومت است.حرکت به سمت سلاح هسته‌ای،این سرمایه عظیم را مخدوش می کند.در شرایط کنونی،داشتن سلاح هسته‌ای نه بازدارنده،که پهنانه‌ای برای حمله پیشدستانه دشمن است.راه حل نهایی،افزایش فشارهای بین‌المللی خواهد بود.منطق بازدارندگی جمهوری اسلامی،بر پایه توانمندی‌های متقن و متعارف و مردمی استوار است.

به نظر می‌رسد تفاوت میان موضع قاطعانه قبلی (رد مذاکره غیرشرافتمندانه) با مشارکت در مذاکرات عمان،ناشی از تغییر در شرایط و پیشنهادهای طرف مقابل است.موضع اولیه،پاسخی قاطع به سیاست فشار حداکثری و شرایط تحقیرآمیز مورد نظر دشمن بود.با رسیدن در خواست جدیدی از طرف امریکا -بدون شروط تحقیر آمیز قبلی -راهبرد نظام،مدل سومی را در پیش گرفت: «نه تسلیم شدن و نه خود را در معرض جنگ قرار دادن».این مدل،به معنای حضور در مذاکره برای شفاف‌سازی مواضع و مدیریت فضای داخلی و بین‌المللی،در چارچوب کلاما مشخص و بدون خوش‌بینی افراطی است. محاسبه دشمن مبنی بر آمادگی ایران برای امتیاز دادن پس از جنگ ۱۲ روزه،محاسبه‌ای اشتباه است.راه حل نهایی،نه در مذاکره محض و نه در حرکت به سمت سلاح کشتار جمعی،که در تقویت همه‌جانبه کشور -به‌ویژه در بعد اقتصادی -تداوم «روایت قدرت» به عنوان تنها تئوریا واقعی در برابر بازی‌های دشمن نهفته است.این روایت،هم موتور داخلی پیشرفت است و هم کلان‌ترین ابزار بازدارندگی خارجی.



تمهیدات ضد ماشه

قالیباف: تصمیمات مهمی برای مردم گرفته شد



به فعال شدن مکانیسم موسوم به ماشه که به صورت غیرقانونی و غیر حقوقی از سوی ترویتیکای اروپایی و با حمایت و پشتیبانی امریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران، اعمال شده تا بر خسی تحریم‌های ساز مان ملل باز گر دانده شود، حرف و حدیث‌ها درباره عواقب اقتصادی این اقدام بر کشور و معیشت مردم، به یکی از مباحث داغ و

پرتکرار این روزها تبدیل شده است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند آثار و تبعات این تحریم‌های ظالمانه آن گونه که تبلیغ و بزرگنمایی می شود، نیست، چرا که جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفته و با مقاومت از این تحریم‌ها فرست‌های فراوان ساخته است و آنچه اکنون تحت عنوان فعال سازی مکانیسم ماشه عنوان می شود، اگر چه می تواند تبعاتی داشته باشد، فراتر از تحریم‌های یکجانبه امریکا نیست. بنابراین، با بد مراقب بود و با تبیین درست، آثار روانی و تبلیغی این تصمیم غیر قانونی و ظالمانه را مدیریت کرد. با این حال، رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید تمهیداتی برای مقابله با آثار فعال سازی مکانیسم ماشه اندیشیده شده است، چنان که پیش از این رئیس‌جمهور هم تصریح کرده بود، پیش‌بینی‌های لازم برای مقابله با این اقدام گرفته شده است. روز گذشته به درخواست نمایندگان مجلس شورای اسلامی جلسه غیر علنی تشکیل شد

رئیس همایش بین‌المللی «خیزش فرزانتان در برابر خرد کشی» با بیان اینکه در دنیای امروز امریکا و رژیم صهیونیستی دانشمندان را به دلیل محروم کردن ملت‌ها از دستیابی به علم و دانش ترور می کنند، تأکید کرد: این پدیده بسیار خطرناکی برای بشریت است که با ید در مقابل آن ایستاد و با آگاهی بخشی مانع تکرار اش شد.

به گزارش ایران، محمدجواد ارفعانی در نشست خبری همایش بین‌المللی «خیزش فرزانتان در برابر خرد کشی» با بیان اینکه امروز در جهان با پدیده زشت ترور دانشمندان مواجهیم، گفت: گرچه این پدیده وحشتناک است که دولت‌هایی در دنیا دادگاه‌های قتیض سابقه داشته و در آن زمان دانشمندان را به دلیل عقایدشان می کشتند، اما امروز دانشمندان را به خاطر محروم کردن ملت‌ها از دستیابی به علم و دانش ترور می کنند. وی با اشاره به تحولات بسیار سریع و چشمگیر علم در دنیای کنونی و این حقیقت که



دانشمندان با افتخار در حوزه‌هایی کار می کنند که تأثیرات بسیار وسیع در زندگی انسان‌ها دارد، خاطر نشان کرد: اما پدیده‌ای که با آن مواجه هستیم این است که دولت‌هایی در دنیا وجود دارند در رأس آنها امریکا و غرب و رژیم صهیونیستی که با افتخار شهادت دانشمندان را کاملاً یک سیاست مشروع می دانند. لا یجانی افزود: به همین دلیل در حمله ناجوانمردانه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در کشور ما بیش از ۱۵ نفر از دانشمندان کشور شهید شدند، با اینکه

شهید دکتر قهقی در حوزه پر تو درمانی کار می کرد یا سایر شهدا افراد آکادمیک بودند و مثلاً شهید طهرانچی یکی از بزرگترین مجموعه‌های دانشگاهی غرب آسیا را اداره می کرد. وی افزود: دشمنی و مشروعیت دادن به ترور دانشمندان بحث مهم امروز است. البته جهان غالباً به مسائل سیاسی پرهیجان توجه می کند، اما توجه به موضوع ترور دانشمندان یک امر بسیار ضروری است و کشتن دانشمندان جهان از هر دین و مسلکی که هستند و در هر کشوری به پهنانه‌های سیاسی و هر پهنانه‌ای باید محکوم و ممنوع باشد، اینکه هر کشوری نتواند در کشور دیگری دانشمندی را که به نظر او برای اغراض سیاسی‌اش نامناسب است به شکلی سبانه ترور کند.

لاریجانی با اشاره به اینکه با وجود رونمایی از ترور دانشمندان در این زمان، گفت: این امر در کشور ما سابقه دار است و پیش از جنگ ۱۲ روزه شهیدان علی محمدی، شهر یاری، فخری‌زاده ترور شده‌اند

دبیر خانه «شعام» ادعای دبیر «شاک» را تکذیب کرد

به ماجرای جنگ ۳۳ روزه هم اشاره کرده و گفته «به نظر من مهم‌ترین مقطع در زندگی غیرنظامی، برای جلوگیری از بلاتکلیفی کشور در شرایط اضطراری است. این اقدام با هدف تضمین تسادوم مدیریت در سطوح مختلف صورت گرفته است.» اکنون که اداعی دبیر ششورای امنیت کشور (شاک) از سوی رده بالاتر یعنی شورای عالی امنیت ملی تکذیب می‌شود، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا یک مقام مسئول در این سطح بدون توجه به ملاحظات امنیتی کشور ادعاهایی مطرح می‌کند که القای افعال افروزد، به همین دلیل در حمله ناجوانمردانه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در کشور ما بیش از ۱۵ نفر از دانشمندان کشور شهید شدند، با اینکه

وی اضافه کرد: قبلاً نیز گفته شده که تحریم‌های تعیین شده در این قطعنامه‌ها در مقایسه با تحریم‌های امریکا اهمیت مؤثری ندارد، همچنین به دلیل غیرقانونی بودن استفاده از مکانیسم ماشه و اعتقاد روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت، اجرایی شدن قطعنامه‌های تحریمی در سازمان ملل با موانع حقوقی جدی مواجه است. در عین حال اعلام می‌کنیم در صورتی که کشوری بخواهد بر اساس این قطعنامه‌های غیرقانونی، اقدامی علیه ایران انجام دهد، با اقدام متقابل و جدی ایران رویه‌رو خواهد شد و سه کشور اروپایی بانی این اقدام غیرقانونی هم واکنش را خواهند دید.

قالیباف خطاب به مردم ایران گفت: ایران انواع روش‌های دیپلماتیک را در چارچوب رعایت منافع ملی به کار گرفت تا این موضوع حل و فصل شود یا با تأخیر مواجه شود که توافق قاهره فقط یکی از آنها بود و از دبیر خانه شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه می‌خواهم که جزئیات پیگیری‌ها، توافقات و بدعهدی‌های طرف مقابل را برای مردم شرح دهند. وی با بیان اینکه اصرار بر پیگیری غیرقانونی مکانیسم ماشه به رغم انعطاف‌های ایران، بر چند امر صحه گذاشت، یادآور شد: اینکه برای غربی‌ها، مذاکره، واژه «فرب و فشار» برای خلع سلاح موشکی ایران است، آنها شرط فقط تمدید شش ماهه اسنب یک‌را مذاکره با امریکا و دسترسی به آژانس اعلام کردند و امریکایی‌ها یکی از پیش شرط‌های خود از تعامل با ایران را محدود کردن بر موشکی اعلام می‌کند. آیا این جز یک تقسیم کار برنامه‌ریزی شده با کلماتی زیبا، برای گرفتن توان موشکی ایران است؟

دیگر اینکه این مسئله نشان دهنده عامل اصلی حفظ منافع و امنیت ملی ایران، فقط و فقط قوی شدن است. باب دیپلماسی به عنوان یک روش دفاع از حقوق ملی هیچ گاه در نظام جمهوری اسلامی بسته نشده و نخواهد شد اما امروز یک بار دیگر بر هر ناظر منصفی روشن شد، دیپلماسی بدون تقویت مؤلفه‌های قدرت، فقط ابزاری برای فشار است.

قالیباف درباره چگونگی مواجهه با شرایط پیش رو عنوان کرد: در این زمینه وظایف متعددی به دوش ما مسئولان است، اما به نظر می‌رسد تمرکز دو مسئله که بارها نیز بر آن تأکید شده و از ضرورتی بی‌مهرم برخوردار است، اول حل مسائل معیشتی و نیازهای ضروری مردم و دوم رعایت انسجام ملی در برابر دشمن است. مشخصاً بار دیگر از دولت محترم می‌خواهم که با سرعت برای جلوگیری از دسترسی دشمن به تجهیزات و تسلیحات نظامی ایران است. دلایل راهبردی مطابق نظر رئیس‌جمهور محترم بوده است و مورد تأکید رهبر حکیم انقلاب نیز قرار گرفت، به اجرا در بیایور به گونه‌ای که مردم در خرید کالا‌های اساسی خود همیشه قیمت ثابتی پرداخت کنند و مابه التفاوت آن توسط دولت پرداخت شود.

محمد جواد لاریجانی:

ترور دانشمندان خطر مهمی برای بشریت است

که هیچ کدام از آنها در مسائلی که نسبت داده می‌کرد یا سایر شهدا افراد آکادمیک بودند و مثلاً شهید طهرانچی یکی از بزرگترین مجموعه‌های دانشگاهی غرب آسیا را اداره می کرد. وی افزود: دشمنی و مشروعیت دادن به ترور دانشمندان بحث مهم امروز است. البته جهان غالباً به مسائل سیاسی پرهیجان توجه می کند، اما توجه به موضوع ترور دانشمندان یک امر بسیار ضروری است و کشتن دانشمندان جهان از هر دین و مسلکی که هستند و در هر کشوری به پهنانه‌های سیاسی و هر پهنانه‌ای باید محکوم و ممنوع باشد، اینکه هر کشوری نتواند در کشور دیگری دانشمندی را که به نظر او برای اغراض سیاسی‌اش نامناسب است به شکلی سبانه ترور کند.

لاریجانی با اشاره به اینکه با وجود رونمایی از ترور دانشمندان در این زمان، گفت: این امر در کشور ما سابقه دار است و پیش از جنگ ۱۲ روزه شهیدان علی محمدی، شهر یاری، فخری‌زاده ترور شده‌اند

به ماجرای جنگ ۳۳ روزه هم اشاره کرده و گفته «به نظر من مهم‌ترین مقطع در زندگی غیرنظامی، برای جلوگیری از بلاتکلیفی کشور در شرایط اضطراری است. این اقدام با هدف تضمین امنیت ملی در سطوح مختلف صورت گرفته است.» اکنون که اداعی دبیر ششورای امنیت کشور (شاک) از سوی رده بالاتر یعنی شورای عالی امنیت ملی تکذیب می‌شود، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا یک مقام مسئول در این سطح بدون توجه به ملاحظات امنیتی کشور ادعاهایی مطرح می‌کند که القای افعال افروزد، به همین دلیل در حمله ناجوانمردانه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در کشور ما بیش از ۱۵ نفر از دانشمندان کشور شهید شدند، با اینکه



لاریجانی در دیدار شیخ نعیم قاسم عنوان کرد

آمادگی ایران

برای حمایت همه‌جانبه از لبنان و مقاومت

ایران در کنار لبنان و مقاومت این کشور ایستاده و آن حمایت می‌کند و در تمام سطوح برای حمایت از این کشور و مقاومت آن آماده است.

به گزارش ایرنا با نقل از المنار، دکتر علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی که برای شرکت در مراسم سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله به لبنان سفر کرده است، روز گذشته در دیدار با دبیر کل حزب الله لبنان تأکید کرد که ایران بر اساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنار لبنان و مقاومت این کشور ایستاده و از آن حمایت می‌کند و در تمام سطوح برای حمایت از این کشور و مقاومت آن آماده است. شیخ نعیم قاسم دبیر کل حزب الله لبنان نیز طی سخنانی در این دیدار با تأکید بر ایستادگی لبنان در برابر چالش‌ها و تهدیدات امریکا و اسرائیل و حمایت حداکثری ملت مقاوم لبنان برای آزادی و استقلال، گفت: هر کس این موضع مردم شجاع و صبور را ببیند، ایمان می‌آورد که در مقابله با دشمن اسرائیلی، پیروز است. وی افزود: حزب الله آماده همکاری با همه کسانی است که در مقابل دشمن اسرائیلی به عنوان خطری برای همه، ایستاده‌اند. دبیر کل حزب الله لبنان در این دیدار که مجتبی امامی سفیر ایران در بیروت نیز در آن حضور داشت، افزود: ما ایمان داریم که سلسله متجاوز اسرائیلی در برابر این ایستادگی، پایان خفت باری دارد.

استراتژی ارباب با پوست مار

در دل طوفان‌های ساختگی، ائتلاف غربی- صهیونی دون کیشتو وار از مکانیزم ماشه به عنوان آخرین تیز ترکش نه به عنوان یک تهدید حقوقی واقعی، بلکه نمایشی نمادین برای ایجاد رعب روانی و تضعیف اعتماد عمومی رونمایی کرده است. اقدام سه کشور اروپایی در شورای امنیت، فاقد وجهت قانونی و اجماع جهانی، بیش از آنکه اقتصاد ایران را هدف گیرد، به دنبال «تحریک انتظارات تورمی»، «التهاب بازار»، ناامیدسازی و بی اعتماد کردن مردم» و «توسیع بازی برای جمهوری اسلامی ایران تحت فشار اقتصادی عمومی» است. اما این «پوست مار» پوشالی، اگر با هوشمندی خنثی شود، می‌تواند به نقطه شکست دشمن و نماد عزت ملی ما تبدیل گردد. اکنون آزمون واقعی نه در برابر تحریم‌های تکراری که در حفظ خونسردی و انسجام جامعه نهفته است.

تحلیل‌گران بین‌المللی ائتلاف امریکا، اروپا و رژیم صهیونی را در بن‌بست استراتژیک می‌بینند. شکست فشار حداکثری و مقاومت هوشمندانه ایران، همراه با تغییر معادلات جهانی و نقش قدرت‌های ناظرهور مانند روسیه و چین، ابزار تحریم را به سمت بی اثر کردن تیرده است. اروپا، برای پوشاندن ناکامی در معامله بر سر بحران اوکراین، به مکانیزم ماشه پناه برده ستار یوبی که سفیر روسیه آن را «نمایش جلی» خواند. این مکانیزم، محدود به فعالیت‌های هسته‌ای فاقد تأثیر واقعی بر صادرات نفت، امور بانکی و تعاملات اقتصادی ایران است. دلایل راهبردی کم‌اثری آن روشن است: «فقدان اجماع جهانی»، «ضعیف تر بودن تحریم‌های شورای امنیت نسبت به تحریم‌های امریکا»، «ساندگاری اقتصاد ایران با تحریم‌ها»، «تثبیت مشتریان نفتی»، «روند دلارایزی جهانی»، «پایان راه‌های آفشار غرب»، «فول زمونی امریکا»، «عدم امکان اجرا بدون همکاری قدرت‌های کلیدی»، «خودکفایی ایران در تجهیزات حساس»، «تجر به موفق ایران در عبور از تحریم‌ها»، «افزایش تعاملات منطقه‌ای»، «بیلیماسی فعال با بلوک شرق و جنوب»، «تقدار داعی و آگاهی سیاسی مردم».

دشمن به خوبی می‌داند که ضربه اصلی نه از تحریم‌های کاغذی، که از جنگ روانی وارد می‌شود. افزایش چند درصدی نرخ دلار در ساعات اولیه پس از قطعنامه، محصول پروپاگاندا رسانه‌ای و تحریک «دست‌های پنهان» در بازار است. هدف نهایی فراتر از پرونده هسته‌ای مهار قدرت منطقه‌ای ایران، قطع توان دفاعی و القای یأس برای تجزیه کشور در چارچوب طرح خاورمیانه جدید. اما این عملیات نقطه ضعفی آشکار دارد: وابستگی به واکنش هیجانی جامعه. اگر ما تیرس تحریم‌شده»، را به واقعیت تبدیل نکنیم، ماشه چوب و به قمیز بی‌خاصیت تبدیل خواهد شد. خنثی‌سازی این تهدید روانی نیازمند اقدام ملی هماهنگ در سه جبهه کلیدی است.

نخست، جبهه رسانه‌ای در خلق روایت اول: رسانه ملی و قوای رسمی باید با پیام‌های شفاف، مستدل و امیدآفرین روایت اول را زانه دهند. افشای نقش شبکه‌های نفوذ دشمن و روایت‌های انسانی از مقاومت خانواده‌ها، بغور ملی را شعله‌ور می‌کند. فعالان فضای مجازی باید با جهاد تبیین مبتنی بر ظرفیت‌های فضای مجازی در چالش هشتگی، پیام‌های نظیر «ماشته ابراز ترسندن است؛ ما اراده عبور داریم» را به شکل فراگیر منتشر کنند.

دوم، جبهه معیشت و اقتصاد: دولت باید بسته‌های حمایتی ملموس و سریع مانند توزیع هفدمند کالا‌های اساسی ارانه دهد تا مردم اثر را در بد می‌بینند. راه حل محروم‌فشار روانی را کاهش و همسنگی حاکمیت با ملت را نشان می‌دهد. اطلاع‌رسانی روشن درباره منابع و زمان‌بندی، شایعات را مهار می‌کند.

سوم، جبهه اطلاعاتی و قضایی باید با شناسایی و برخورد قاطع و فوری با کسانی که ماشه را بزرگنمایی می‌کنند»، «ترس از جنگ می‌براکنند»، «سخه مذاکره می‌پیچند»، «محتوای دشمن را بازنشر می‌دهند»، «مشکلات را فقط به تحریم وصل می‌کنند» و شناسایی و برخورد با مافیای افزایش قیمت‌ها» اعتماد عمومی را بازسازی کند. چهارم، از منظر دیپلماتیک، افشای نقش تعهدات غرب تعامل هوشمندانه با بازیگران مستقل و نمایش قدرت منطقه‌ای ایران، مشروعیت دشمن را زیر سؤال می‌برد. جمهوری اسلامی مظلومانه همه راه‌ها را رفت، اما زیاده‌خواهی غرب اجازه نداد. این تجربه اکنون سرمایه ملی است. اعتماد به غرب رفاه نمی‌آورد، بلکه قدرت داخلی و هم‌پیمانان واقعی کلید حل مسئله است.

این چالش مقطعی، فرصتی تاریخی برای نشان دادن تاب‌آوری ملی است. وقتی مردم ببینند مسئولان با قاطعیت پای کارند، بسته‌های حمایتی می‌رسد و شبکه‌های نفوذ رسوا می‌شوند، ماشه نه تهدید که نماد شکست دشمن و فرصتی طلایی برای راه‌یابی از «استراتژی ارباب» خواهد شد. آینده از آن ملتی است که در طوفان، با عقلانیت و وحدت، چون کوه استوار می‌ماند. این شاه‌الله، این ماشه پوچ به تاریخ می‌سپاریم و عزت ملی را فرورزان‌تر می‌سازیم.